



The University of Tehran Press

The European Court of Human Rights and the Principle of Non-Refoulement

Ahmad Momenirad¹  | Ali Alali²

1. Corresponding Author; Assistant Professor, Public Law Department, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University, Tehran, Iran. Email: momenirad@ut.ac.ir
2. Ph.D. student in international law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran. Email: alioscha1235@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Today, the forced migration of individuals has significantly affected European countries. In principle, individuals should not face persecution or violence in their homeland due to reasons such as race, religion, nationality, membership in a particular social group, or political beliefs. In this context, the European Court of Human Rights has facilitated the protection of refugees by interpreting Article 3 of the European Convention on Human Rights. In this paper, through a descriptive-analytical method, we have examined and analyzed the legal dimensions of the principle of "non-refoulement" and the judicial practices of the European Court of Human Rights in supporting refugees by studying relevant international and European treaties. By comparing the laws of the European Union and the protective standards for refugees in the European Convention on Human Rights, differences can be observed that have been addressed in this research. It is believed that this contradiction has led to the dual approach of member states of the Union in this regard and has resulted in differing rulings in similar refugee cases.
Pages: 207-221	
Received: 2020/03/11	
Received in Revised form: 2019/06/22	
Accepted: 2019/06/25	
Published online: 2025/03/21	
Keywords: <i>non-refoulement principle, refugees, European Court of Human Rights, European Convention on Human Rights.</i>	
How To Cite	Momenirad, Ahmad; Alali, Ali (2025). The European Court of Human Rights and the Principle of Non-Refoulement. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (1), 207-221. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2019.277879.1950
DOI	10.22059/jplsqt.2019.277879.1950
Publisher	The University of Tehran Press. 



دیوان اروپایی حقوق بشر و اصل عدم بازگرداندن

احمد مومنی‌راد^۱ | علی‌علی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: momenirad@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: alioscha1235@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۰۷-۲۲۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ کلیدواژه‌ها: اصل عدم بازگرداندن، پناهندگان، دیوان اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.	امروزه مهاجرت اجباری افراد، کشورهای اروپایی را بسیار متأثر کرده است. اصولاً افراد نباید به دلایلی چون نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی با آزار و اذیت و یا خشونت در وطنشان مواجه شوند. در این زمینه دیوان اروپایی حقوق بشر، با تفسیر ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حمایت از پناهندگان را نیز میسر ساخته است. در این مقاله، با مطالعه و بررسی معاهدات بین‌المللی و اروپایی مرتبط با پناهندگی، به روش توصیفی — تحلیلی، ابعاد حقوقی مسئله «اصل عدم بازگرداندن» و سپس رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در حمایت از پناهندگان را واکاوی و تحلیل کرده‌ایم. با مقایسه قوانین اتحادیه اروپا و استانداردهای حمایتی از پناهندگان در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌توان تفاوت‌هایی را مشاهده کرد که در تحقیق حاضر بدانها پرداخته شده است. گمان می‌رود همین تناقض موجب برخورد دوگانه دولت‌های عضو اتحادیه در این خصوص شده و صدور آرای متفاوت در پرونده‌های مشابه پناهندگان را در پی داشته است.
استناد	مومنی‌راد، احمد؛ علی‌علی، علی (۱۴۰۴). دیوان اروپایی حقوق بشر و اصل عدم بازگرداندن. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۱)، ۲۰۷-۲۲۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2019.277879.1950
DOI	10.22059/jpls.2019.277879.1950
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

مسئله پناهندگی از دیرباز مورد توجه بوده است و امروزه نیز از مهم‌ترین مسائل جامعه بین‌المللی، به‌ویژه اتحادیه اروپا، به‌شمار می‌رود؛ چراکه در جهان امروز مهاجرت به کشورهای اروپایی آنچنان گسترده است که از آن به‌مثابه بحرانی بزرگ در اتحادیه اروپا یاد می‌شود؛ بنابراین، به‌منظور حمایت از پناهندگی و پناهندگان چه در سطح بین‌المللی و چه اتحادیه اروپا، چندین رژیم حقوقی مهم شکل گرفته که از جمله آنهاست: کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت پناهندگان^۱ و پروتکل ۱۹۶۷ منضم به آن، قوانین اتحادیه اروپا^۲، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های تحقیرکننده غیرانسانی و بی‌رحمانه ۱۹۸۴ مصوب ملل متحد^۳ و کنوانسیون ۱۹۵۰ در خصوص حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و پروتکل‌های الحاقی به آن که با نام کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۴ شناخته شده است. در سال ۱۹۹۸، با لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰، افراد اجازه یافتند، بدون اتکا به کمیسیون اروپایی حقوق بشر، به‌منظور استیفای حق خود، به‌طور مستقیم به دادگاه حقوق بشر اروپا مراجعه کنند (زمانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۹).

رژیم‌های حقوقی یادشده اغلب با همدیگر همپوشانی‌هایی دارند (Mole & Meredith, 2010: 7)، با وجود این، به‌جرات می‌توان ادعا کرد که کنوانسیون راجع به پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن نقطه شروع توجه به مسئله پناهندگی در اتحادیه اروپاست (Agency for European Union Fundamental Rights and Council of Europe, 2014: 64).

به‌رغم همه این نظام‌های حقوقی مصوب، همچنان وضعیت درصد نسبتاً بالایی از پناهندگان خارج از کنوانسیون ۱۹۶۷ پناهندگی و کنوانسیون منع شکنجه قرار دارد (Maas, 2009: 5; Mole and Meredith, 2010: 8). قوانین خاص اتحادیه اروپا نیز بسیاری از مسائل مرتبط با امر پناهندگی را پوشش نمی‌دهند؛ برای مثال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره صریحی به حق پناهندگی یا موضوع عدم بازگرداندن^۵ نکرده است، با این حال دیوان اروپایی حقوق بشر حمایت از پناهندگان را عمدتاً از طریق تفسیر ماده ۳ کنوانسیون میسر ساخته و حتی این ماده را دربردارنده اصل عدم بازگرداندن دانسته است (Bacaian, 2011: 40, 53-54).

در این پژوهش، بر قابلیت اعمال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قضیه پناهندگی، به‌ویژه اصل عدم بازگرداندن به‌عنوان شکلی از حمایت تکمیلی در موضوع پناهندگی، تمرکز شده است؛ این مسئله عمدتاً با

1. Refugee Convention
2. EU law
3. United Nations Convention against Torture
4. European Convention on Human Rights
5. Non-Refoulement Principle

تجزیه و تحلیل رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر ترسیم خواهد شد. همچنین اصل عدم بازگرداندن مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به مثابه مانعی در برابر اخراج افراد پناهنده، معرفی می‌شود که نقشی تکمیلی در ارتباط با حمایت از پناهندگان ایفا می‌کند.

از آنجا که رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر تأثیر شایان توجهی بر سیاست‌ها و قوانین پناهندگی اتحادیه اروپا دارد، بر آنیم تا قوانین اتحادیه اروپا را با استانداردهای حمایتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص پناهندگان مقایسه کنیم.

۲. حمایت بین‌المللی از پناهندگان در اروپا

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، به مثابه معتبرترین منبع هنجارهای حقوق بشری (Chapman, 1999: 133)، حمایت از حق «درخواست و برخورداری از پناهندگی در برابر تعقیب و آزار» را به موجب ماده ۱۴ خود به رسمیت شناخته است؛ این حق در سایر اسناد بین‌المللی حمایت از حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ یا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با این صراحت پیش‌بینی نشده است. هنگام انعقاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصور می‌شد که کنوانسیون پناهندگان می‌تواند نیاز به حمایت از حق پناهندگی را به طور کامل پوشش دهد؛ اگرچه در اوان انعقاد این کنوانسیون مشکلی در شناسایی افراد به عنوان پناهنده در میان کشورهای اروپایی وجود نداشت، اما در دو دهه اخیر، دولت‌های اروپایی تمایل چندانی در خصوص شناسایی پناهندگان نیازمند حمایت ندارند. می‌توان گفت که از لحاظ حقوقی اکنون در بسیاری از اسناد حقوق بشر عمومی، به ویژه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جایگزین کنوانسیون راجع به پناهندگی شده‌اند (Mole & Meredith, 2010: 10-11) و خدمات حمایتی بنیادین و جامعی به پناهندگان ارائه می‌دهند؛ برای بسیاری از مواد «منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا»^۳ به طور مستقیم در خصوص پناهندگان قابل اجرا هستند؛ از جمله حق پناهندگی و حمایت از افراد در مقابل استرداد و اخراج (مواد ۱۸ و ۱۹)، عدم تبعیض از حیث نژاد، جنس و... (ماده ۲۱)، آزادی جابه‌جایی و اقامت از جمله برای شهروندان دول ثالث که به صورت قانونی در اتحادیه اقامت دارند (ماده ۴۵)، حق برخورداری از محاکمه منصفانه و جبران خسارت (ماده ۴۷).

موضوع «اصل عدم بازگرداندن» در بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگان مورد اشاره قرار گرفته

1. Universal Declaration of Human Rights

2. International Covenant on Civil and Political Rights

۳. این منشور از زمان اجرایی شدن پیمان لیسبون به صورت قانونی به رسمیت شناخته و الزام آور اعلام شد و بر اساس بند ۱ ماده ۱۹ معاهده اتحادیه اروپا، حقوق مندرج در آن باید در سطح ملی توسط دولت‌های عضو به گونه مؤثری رعایت شود.

است^۱، اما مواد مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌رغم اشاره به وضعیت پناهندگی متضمن هیچ مقررۀ صریحی در خصوص اصل عدم بازگرداندن نیست (Bacaian, 2011: 53). از این‌رو این اعلامیه، از این منظر، حمایت کمتری را در زمینه حقوق پناهندگان ابراز داشته است.

از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پناهندگان نه به‌عنوان «مقیم قانونی»^۲ که به‌مثابه «حاضران قانونی»^۳ در نظر گرفته شده‌اند تا بتوانند از بعضی حقوق مقرر در کنوانسیون بهتر بهره‌مند شوند، با وجود این، متأسفانه بسیاری از افراد که نیازمند حمایت بین‌المللی‌اند، خارج از دامنه کنوانسیون قرار می‌گیرند. کنوانسیون پناهندگان «قانون مختص پناهندگی» و «سند بین‌المللی کلیدی برای حمایت از کسانی است که در دامنه شمول آن قرار می‌گیرند» (Mole & Meredith, 2010: 9)؛ البته این کنوانسیون اکنون تا حد زیادی، به‌واسطه دستورالعمل ۲۰۱۱/۹۵/EU - که به دستورالعمل «رهنمود توصیفی»^۴ موسوم است - با قوانین اتحادیه اروپا درآمیخته است. در این دستورالعمل، به‌منظور یکنواخت ساختن مسائل پناهندگان، استانداردهایی برای وضعیت اتباع کشورهای ثالث یا افراد فاقد تابعیت به‌عنوان ذی‌نفع در حمایت بین‌المللی، وضع شده است (European Union Agency for Fundamental Rights and Council of Europe, 2014: 64). این دستورالعمل، به‌عنوان یکی از اسنادی که با هدف هماهنگی و ساده‌سازی استانداردهای قانونی مرتبط با پناهندگی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا قابلیت اعمال دارد، نظام جامع پناهندگی اروپا را شکل داده است (Maas, 2009: 3). شایان ذکر است محتوای ماده ۱۵ به‌همراه ماده ۲ کنوانسیون در خصوص پناهندگان که در دستورالعمل «رهنمود توصیفی» (۲۰۱۱/۹۵/EU) انعکاس یافته است، به اصل «عدم بازگرداندن» مرتبط است.

۳. انعکاس قضایای پناهندگی در آرای دیوان با توجه به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

هرچند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌صراحت مشتمل بر مقرراتی نیست که به حق پناهندگی اشاره کند، اما دیوان اروپایی حقوق بشر حمایت از پناهندگان را اغلب از طریق تفسیر ماده ۳ کنوانسیون که شکنجه و رفتار یا مجازات تحقیرکننده یا غیرانسانی را ممنوع دانسته، میسر ساخته (Bacaian, 2011: 53-54) و فی‌الجمله، رویه‌های قضایی دیوان «استانداردهای راجع به حقوق پناهجویان را در سراسر اروپا نظم بخشیده است» (Mole & Meredith, 2010: 11).

۱. بر این اساس این ماده مقرر می‌دارد که هیچ‌یک از دول متعاقد به هیچ نحو پناهنده‌ای را اخراج نخواهند کرد یا به مرزهای سرزمینی باز نخواهند گرداند، زیرا ممکن است به دلایل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا دارا بودن عقیده سیاسی، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید قرار گیرد.

2. Lawfully staying

3. Lawfully present

4. Qualification Directive

دیوان اروپایی حقوق بشر در چندین مورد اظهار کرده است که تضمین حق پناهندگی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یا پروتکل‌های آن وجود ندارد (ECtHR, 2007: Para.111). برای مثال در این خصوص، در قضیه لیلیا، جولیا و ائونورا آلیمنزونا و الکسیس لیسکوف علیه سوئد، دیوان مقرر می‌دارد که «کنوانسیون راجع به پناهندگی وضعیت فرد پناهنده را تضمین نمی‌کند بلکه صرفاً اخراج اشخاص به مقصد کشوری را که آنجا در معرض رفتاری مغایر با ماده ۳ قرار می‌گیرند ممنوع می‌کند»^۱.

مسئله قابلیت اعمال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص «اصل عدم بازگرداندن» فرد پناهنده، اولین بار، در قضیه سورینگ^۲ علیه انگلستان (۱۹۸۹) مطرح شد. در این قضیه استرداد فرد مجرم که به انگلستان پناهنده شده بود، مورد توجه قرار گرفت (Maas, 2009: 17; Mole & Meredith, 2010: 11). متقاضی یک تبعه آلمان بود که تا زمان استرداد به ایالات متحده آمریکا برای رسیدگی به اتهام قتل در ویرجینیا، در زندانی در انگلستان بازداشت بود (ECtHR, 1989: Para.11). متقاضی پناهندگی ادعا می‌کرد تصمیم وزیر امور خارجه انگلستان مبنی بر تسلیم او به مقامات آمریکایی در صورت اجرا نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خواهد بود (ECtHR, 1989: Para.80). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز، ضمن پذیرش ادعای سورینگ، اظهار کرد که چون مسترد کردن وی در نهایت به اعدام او منجر خواهد شد، بنابراین این کار، به سبب در معرض به اصطلاح «پدیده در صف مرگ» قرار دادن متقاضی، نقض ماده ۳ خواهد بود. به این ترتیب دیوان برای دولت انگلستان امکان بازگرداندن فرد پناهنده را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه چنین اقدامی را نقض کنوانسیون اروپایی و حق پناهندگی به شمار می‌آورد. همچنین دیوان، با اشاره به سایر اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون پناهندگان، کنوانسیون اروپایی استرداد ۱۹۵۲ و کنوانسیون منع شکنجه، موضوع فرستادن پناهندگان را به کشوری که در آنجا با خطر رفتار ممنوع شده مواجه می‌شوند، یادآور می‌شود. در مجموع، به نظر دیوان، بود یا نبود اسناد بین‌المللی نمی‌تواند «طرف‌های متعاقد را از مسئولیت مندرج در ماده ۳ در قبال همه و هر نوع پیامد پیش‌بینی‌پذیر ناشی از استرداد در خارج از قلمرو صلاحیتشان مبرا کند» (ECtHR, 1989: Para.86)؛ به بیان دیگر، از نظر دیوان هر نوع عملکرد دولت‌ها در استرداد پناهنده، چنانچه منتج به انجام هر رفتار ممنوعه‌ای از سوی کشور متبوع فرد شود، امری خلاف اصول حقوق بشری و کنوانسیون‌های در زمینه حقوق پناهندگان تلقی می‌شود؛ افزون بر این دیوان اظهار می‌دارد «این حقیقت که معاهده‌ای به‌طور خاص و با جزئیات به تعهد مربوط به ممنوعیت شکنجه می‌پردازد، بدین معنا نیست که مشابه آن تعهد اساساً در عبارات کلی ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود ندارد»، زیرا «این موضوع با ارزش‌های اساسی کنوانسیون مثل میراث مشترک، عادات سیاسی، آرمان‌ها، آزادی و حاکمیت قانون مرتبط است» که

1. See: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,3ae6b6f3c.html> , p4

2. Soering

مقدمه کنوانسیون به آنها اشاره دارد. دیوان بر این موضوع تأکید می‌کند که یک طرف متعاقد نباید آگاهانه فرد فراری را به دولت دیگر در جایی که احتمال شکنجه کردن او وجود دارد، هرچند جرم شنیع ادعایی را مرتکب شده باشد، تسلیم کند. دیوان تصریح می‌کند که «استرداد در چنین اوضاع و احوالی، حتی اگر به صراحت در عبارت پردازی مختصر و کلی ماده ۳ نیز مورد اشاره قرار نگرفته باشد، آشکارا مخالف روح و هدف ماده است (ECtHR, 1989: Para.88).

در نتیجه ارزیابی قابلیت اعمال ماده ۳ بر قضایای استرداد، دیوان به این نتیجه رسیده است که «تصمیم دولت متعاقد به استرداد فرد فراری می‌تواند، به موجب ماده ۳ کنوانسیون، مشکل ایجاد کند و در صورتی که پناهنده در کشور محل استرداد با خطر واقعی ناشی از شکنجه یا مجازات یا رفتار تحقیرکننده و غیرانسانی مواجه شود، مسئولیت این امر متوجه دولت متعاقد است، حتی اگر دلایل محکم برای استرداد ارائه دهد. بنابراین، این مسئولیت بر عهده دولت مستردکننده است که شرایط را ارزیابی کند تا فرد، پس از استرداد، با سوء رفتار منع شده مواجه نشود» (ECtHR, 1989: Para.91). البته چنانچه زمینه استرداد پناهنده‌ای نیز فراهم شود، باز هم باید قواعد و شرایط عمومی استرداد مجرمان از سوی دولت فرستنده در نظر گرفته شود؛ برای مثال از جمله این قواعد شرط «مجرمیت مضاعف» است که طبق آن عمل فرد باید علاوه بر اینکه براساس قوانین دولت متقاضی، که خواهان استرداد و محاکمه اوست، جرم باشد طبق قوانین دولت طرف تقاضا نیز باید جرم محسوب شود، یا اصل «اختصاصی بودن» یعنی دولت متقاضی استرداد، پس از تحویل گرفتن پناهنده متهم، فقط مجاز است به اتهاماتی که در تقاضای خود مطرح کرده است رسیدگی کند و نمی‌تواند به جرائم دیگر فرد مزبور، که قبل از تقاضای استرداد مرتکب شده و دولت در تقاضای مذکور عنوان نکرده است، رسیدگی کند (خالقی، ۱۳۹۰: ۲۹۰-۲۹۱).

دیوان اروپایی حقوق بشر موارد عدم استرداد را بر اساس ماده ۳ کنوانسیون تعمیم می‌دهد و گذشته از تصمیم دولت فرستنده پناهنده به کشور محل اقامت او، این امر را شامل موضوعاتی چون اخراج نیز می‌داند؛ برای مثال در قضیه کروزر و آراس^۱ علیه سوئد دیوان رأی داد که اصل تثبیت‌شده در قضیه سورینگ علیه انگلستان می‌تواند در خصوص تصمیمات مربوط به اخراج نیز اعمال شود؛ رأی دیوان از این قرار بود که «اگرچه قضیه حاضر به اخراج مربوط می‌شود که متفاوت از تصمیم به استرداد است، [ولی] دیوان معتقد است اصل مذکور همچنین در خصوص تصمیمات راجع به اخراج به کار می‌رود» (ECtHR, 1991: Para.70). این یافته دیوان در قضیه ویلوارا و دیگران علیه انگلستان نیز تکرار شد (Mole & Meredith, 2010: 21). در این قضیه دیوان مجدداً تأیید کرد که اخراج یک متقاضی پناهندگی از سوی دولت متعاقد نقض موضوع مندرج در ماده ۳ است و از این رو، به موجب کنوانسیون

اروپایی حقوق بشر، در جایی مسئولیت متوجه دولت است که دلایل محکم نشان دهد شخص مربوط، در صورت استرداد، در کشوری که بدان بازگردانده می‌شود در معرض شکنجه یا مجازات یا رفتار تحقیرکننده و غیرانسانی قرار خواهد گرفت (ECtHR, 1991: Para.103).

دیوان اروپایی حقوق بشر اغلب قضایای پناهندگی را به موجب ماده ۳ بررسی کرده است، اما مسائل دیگری نیز در خصوص اصل عدم بازگرداندن به دلیل مواجهه با خطرهای در مواد دیگر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مندرج است که از جمله آنهاست: ماده ۲ (حق حیات)، ماده ۴ (ممنوعیت برده‌داری، خدمت و کار اجباری)، ماده ۵ (حق آزادی و امنیت)، ماده ۶ (حق محاکمه عادلانه)، ماده ۷ (ممنوعیت مجازات مجدد)، ماده ۸ (حق احترام به زندگی خانوادگی و خصوصی)، ماده ۹ (حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب)، ماده ۱۰ (آزادی بیان)، ماده ۱۱ (آزادی اجتماعات و انجمن)، ماده ۱۴ (ممنوعیت تبعیض در برخورداری از حقوق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، ماده ۴ پروتکل شماره ۴ (اخراج جمعی بیگانگان)، ماده ۱ پروتکل شماره ۷ (اخراج اتباع خود)، ماده ۴ پروتکل شماره ۷ (ممنوعیت محاکمه مجدد) و ماده ۱ پروتکل شماره ۱۲ (ممنوعیت کلی تبعیض) (Mole & Meredith, 2010: 23).

۴. جایگاه اصل عدم بازگرداندن در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

پس از ورود یک پناهنده به کشوری، وظایف و تعهدات آن دولت اجرایی می‌شود. تعهد اولیه و اساسی عبارت است از «عدم بازگرداندن» پناهنده؛ یعنی دولت متعهد پناهنده را به جایی که احتمال آزار و شکنجه او در آنجا وجود داشته باشد، مسترد نمی‌کند (Declerck, 2015: 22). مورد مهم دیگر این است که پناهندگان به سبب ورود غیرقانونی به یک کشور مجازات نشوند.^۱ البته دولت‌ها در به رسمیت شناختن اصل منع بازگرداندن افرادی که به دلایل بشردوستانه زیر چتر حمایتی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد قرار گرفته‌اند، از موضع واحدی تبعیت نمی‌کنند. بعضی دولت‌ها همچون سوئیس اعمال این اصل را صرفاً به پناهندگان مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ منحصر می‌دانند، حال آنکه برخی دیگر مانند سوئد از تسری آن به همه کسانی که به جهاتی دیگر همچون مخاصمات مسلحانه یا فقر شدید وادار به ترک کشور خود شده‌اند، جانبداری می‌کنند (کیهانلو، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

تکلیف به عدم بازگرداندن را در حقیقت باید تعهد مشترک حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل پناهندگی دانست؛ طبق قواعد حقوق بین‌الملل بشر، بازگرداندن فرد پناهنده به دولت دیگری که در آنجا دلایل متقنی مبنی بر در معرض شکنجه یا رفتار غیرانسانی قرار گرفتن او وجود دارد، مطلقاً ممنوع است.

1. https://www.apb.gov.au/About_Parliament/Parliamentary_Departments/Parliamentary_Library/pubs/rp/rp0001/01RP05

همین تکلیف (عدم بازگرداندن) در حقوق بین‌الملل پناهندگی نیز، بر اساس اسناد و معاهدات بین‌المللی، به‌صراحت چنین تفسیر شده که بازگرداندن پناهندگان به کشورهایی که جان و آزادی آنها در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد، ممنوعیت دارد.^۱ در واقع پذیرش حق پناهندگی مستلزم تکلیف به عدم بازگرداندن است. دیوان اروپایی حقوق بشر، با تصریح بر قابلیت اعمال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر قضایای پناهندگی از طریق تفسیر ماده ۳ کنوانسیون، همزمان اصل عدم بازگرداندن بر مبنای این کنوانسیون را نیز به رسمیت شناخته است؛ به عبارت دیگر، این دو مفهوم مکمل یکدیگر بوده و دو روی یک سکه‌اند. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، این موضوع اولین بار در قضیه سورینگ علیه انگلستان مطرح شد. به نظر دیوان «... تصمیم دولت متعاقد به استرداد فراری می‌تواند به موجب ماده ۳ مشکل ایجاد کند... در جایی که دلایل قوی حاکی از آن است که شخص مربوط، در صورت استرداد، در کشور درخواست‌کننده با خطر واقعی ناشی از شکنجه یا مجازات یا رفتار تحقیرکننده یا غیرانسانی مواجه خواهد شد (ECtHR, 1989: Para.91). براین اساس، اگرچه ماده ۳ به «اصل عدم بازگرداندن» اشاره خاصی نکرده، اما دیوان اروپایی حقوق بشر این ماده را ضرورتاً دربردارنده مفهوم «ممنوعیت اعاده» تفسیر کرده است (Bacian, 2011: 40). به عبارت بهتر این دو مفهوم مقارن یکدیگرند و دولتی نمی‌تواند در پذیرش پناهندگان از این اصل عدول کند یا برای خود تعهداتی جداگانه مثلاً در پذیرش پناهندگی قائل شود، اما در عین حال تعهدی برای نگهداری فرد پناهنده نداشته باشد و بخواهد وی را مسترد دارد یا اخراج کند. بنابراین ممنوعیت اعاده «شکلی از حمایت تکمیلی است که مشمول طیف گسترده‌تری از پناهندگان می‌شود و مفهومی فراتر از تعریف ۱۹۵۱ کنوانسیون پناهندگی دارد» (Maas, 2009: 16).

تعهد به عدم بازگرداندن، پیشتر از ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌طور ضمنی قابل استنباط بود و همین استنباط ضمنی مبنای حمایت تکمیلی از پناهندگان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۰۴ بود. با تصویب دستورالعمل شماره ۸۳ در سال ۲۰۰۴ که بعدها در دستورالعمل شماره ۹۵ به سال ۲۰۱۱ بازنگری شد، بخش عمده‌ای از رویه قضایی مربوط به حمایت تکمیلی، که از ماده ۳ کنوانسیون به‌طور ضمنی استنباط می‌شد، تدوین شد (Maas, 2009: 19). پیش از تصویب دستورالعمل شماره ۸۳، قانون یا مصوبه بین‌المللی خاصی در خصوص حمایت تکمیلی وجود نداشت (Maas, 2009: 16). در واقع باید اذعان کرد برای اولین بار در دستورالعمل مزبور، از حمایت تکمیلی با عنوان «حمایت فرعی» یاد شده است که معیارهای واجد شرایط این نوع حمایت را در اصل ممنوعیت اعاده تصریح می‌کند (Maas, 2009: 18-19).

1. <https://www.hrw.org/sites/default/files/reports/health0609web.pdf>

2. 2004/83/EC

3. 2011/95/EU

۵. تأثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قوانین اتحادیه اروپا در خصوص پناهندگی بر آرای دیوان

با مقرر شدن استانداردهای حمایتی برای پناهندگان، به موجب قوانین اتحادیه اروپا، اتحادیه اکنون متعهد به حمایت تکمیلی از پناهندگان است که در ماده ۷۸ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^۱ نیز پیش‌بینی شده است. بر این اساس، اتحادیه اروپا متعهد است که انطباق خود با اصل عدم بازگرداندن را تضمین کند و این تعهد باید مطابق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون پناهندگان، کنوانسیون منع شکنجه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر معاهدات مرتبط باشد. مجموعه تدابیر پناهندگی اتحادیه اروپا که به موجب این تعهد تصویب شده‌اند شامل مقررات دوبلین^۲، دستورالعمل آیین رسیدگی به پناهندگی^۳ و دستورالعمل شرایط پذیرش^۴ است.

در میان مقررات اتحادیه، دستورالعمل شماره ۹۵ مصوب ۲۰۱۱^۵ شامل مجموعه‌ای از استانداردهای مشترک برای پناهندگان یا کسانی است که نیازمند حمایت بین‌المللی هستند. این سند، در جایی که به عنصر کلیدی عدم بازگرداندن اشاره کرده بر حقوق و تکالیف مربوط به آن نیز تصریح کرده است (Handbook on European law relating to asylum, borders and immigration, 2014: 65).

دستورالعمل همچنین «حمایت فرعی» از افرادی را که واجد شرایط پناهندگی نیستند اما اگر به کشور مبدأ یا اقامتگاه سابق خود بازگردانده شوند با خطرهایی مواجه می‌شوند مقرر کرده است؛ این خطرها عبارت‌اند از: «مجازات مرگ یا اعدام» (ماده ۱۵(a))، «شکنجه یا مجازات یا رفتار تحقیرکننده یا غیرانسانی» (ماده ۱۵(b))، و «تهدید جدی زندگی غیرنظامیان در شرایط مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا داخلی» (ماده ۱۵(c))^۶.

«ممنوعیت اعاده» به‌صراحت در بند ۱ ماده ۲۱ دستورالعمل شماره ۹۵ (۲۰۱۱/۹۵/EU) که طبق آن «دولت‌های عضو باید مطابق با تعهدات بین‌المللی خود به اصل عدم بازگرداندن احترام گذارند» آمده است؛ اما، به‌رغم آنکه این ماده بر تعهد دولت‌های عضو به رعایت اصل عدم بازگرداندن تصریح کرده، در پاراگراف دوم خود استثنائاتی بر این قاعده آورده است. همچنین ماده ۱۷ دستورالعمل مورد بحث چندین استثنا مقرر کرده است که به موجب آن تبعه کشور ثالث یا فرد بی‌تابعیت از شرایط برخورداری از «حمایت فرعی» مستثنا می‌شود. بنابراین، نه ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگان و نه مواد ۱۷-۲۱ دستورالعمل شماره ۹۵ (۲۰۱۱/۹۵/EU) متضمن ممنوعیت مطلق اعاده نیستند. به‌عبارت دیگر این مواد امکان اخراج یا بیرون راندن پناهنده را در

1. Treaty on the Functioning of the EU

2. Regulation EU No.604/2013, the Qualification Directive (2011/95/EU)

3. Asylum Procedures Directive (2013/32/EU)

4. Reception Conditions Directive (2013/33/EU)

5. 2011/95/EU

6. Qualification Directive 2011/95/EU

اوضاع و احوال بسیار استثنایی فراهم می‌سازند؛ مانند زمانی که پناهنده مرتکب جرم فاحشی شده و برای جامعه یا امنیت کشور محل پناهندگی خطری به وجود آورده است (Handbook on European law relating to asylum, borders and immigration, 2014: 65).

اما بر اساس استانداردهای حمایتی مندرج در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به طور مطلق هر نوع بازگرداندن افراد را، صرف نظر از شرایط آنها، در صورتی که با خطر واقعی رفتاری مغایر با این مقرره روبه‌رو شوند ممنوع می‌کند که این امر با خطر آزار و شکنجه بر اساس یکی از دلایل پیش‌بینی شده در کنوانسیون پناهندگان متفاوت است (Handbook on European law relating to asylum, borders and immigration, 2014: 66). به بیان دیگر، قاعده مندرج در ماده ۳، هیچ استثنایی را، حتی بنا به منفعت عمومی یا امنیت ملی، قائل نمی‌شود. افزون بر این در زمان جنگ یا به دلیل ضرورت عمومی، هیچ توقفی در تعلیق ماده ۳ قابل پذیرش نیست (Maas, 2009: 28).

ماده ۳، صرف نظر از شرایط قربانیان، شکنجه یا رفتار یا مجازات‌های تحقیرکننده یا غیرانسانی را با عبارات مطلق ممنوع کرده است. به موجب این ماده، مسئولیت دولت زمانی است که هر نوع اخراجی بنا به دلایل محکم، شخص مربوطه را در کشوری که بدان بازگردانده می‌شود با خطر واقعی ناشی از شکنجه یا مجازات یا رفتار تحقیرکننده یا غیرانسانی مواجه کند (Handbook on European law relating to asylum, borders and immigration, 2014: 66) (ECtHR, 2017: para.135).

ماهیت مطلق ماده ۳ بارها از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر تأیید شده است؛ برای نمونه در قضیه سعدی^۱ علیه ایتالیا، دیوان اظهار کرد که «دولت‌ها در دوران معاصر برای حمایت از جوامع خود در برابر خشونت تروریستی با مشکلات زیادی مواجه‌اند؛ با این حال، نباید ماهیت مطلق ماده ۳ را زیر سؤال برد» (ECtHR, 2008: Para.137). همچنین دیوان مجدداً تأکید می‌کند که «به موجب ماده ۳، دولت نمی‌تواند به بهانه احتمال سوءرفتار پناهنده او را اخراج کند؛ یعنی از آنجا که حمایت مندرج در ماده ۳ از پناهندگان فراگیرتر از حمایت مقرر در مواد ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ملل متحد است، رفتار فرد، هرچند نامطلوب یا خطرناک باشد، نمی‌تواند ملاک عمل در اخراج او قرار گیرد» (ECtHR, 2008: Para.138). با توجه به موارد مذکور، می‌توان گفت اگرچه رژیم ایجادشده، به موجب «نظام مشترک اروپایی پناهندگی»^۲ برخی خلأها را در خصوص افراد نیازمند به حمایت بین‌المللی پر می‌کند، اما در شمول کنوانسیون پناهندگان قرار نمی‌گیرد، زیرا این رژیم هنوز نمی‌تواند نسبت به تمام افرادی که از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان نیازمند و مستحق حمایت بین‌المللی شناخته شده‌اند، اعمال شود. (Mole & Meredith, 2010: 11).

1. Saadi

2. Common European Asylum System (CEAS)

۶. نتیجه

پتعریف پناهنده به موجب کنوانسیون پناهندگان همه افرادی را که متقاضی حمایت بین‌المللی هستند، پوشش نمی‌دهد؛ این امر اغلب به سبب آن است که نمی‌توان ارتباطی بین ترس از آزار و اذیت و یکی از پنج عامل مندرج در کنوانسیون پناهندگان (نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا داشتن عقیده سیاسی) یافت. با وجود این، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا کوشیده‌اند خلأ مذکور را، با ارائه مفهوم «حمایت تکمیلی»، بر اساس رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر پر کنند. در واقع، دیوان ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در مفهوم ممنوعیت اخراج فرد پناهنده تفسیر کرده است. به این ترتیب، چنانچه بنا به دلایل محکم محرز شود که فرد پناهنده در صورت بازگرداندن با رفتاری مندرج در ماده ۳، همچون شکنجه، مجازات، رفتارهای تحقیرکننده یا غیرانسانی، مواجه خواهد شد دولت محل پناهندگی حق ندارد فرد پناهنده را بازگرداند و این صرف‌نظر از شرایطی است که پناهنده ممکن است داشته باشد.

می‌توان نتیجه گرفت تعهدی ضمنی که از ماده ۳ برمی‌آید، مانعی است در برابر برگرداندن پناهندگان. در واقع، اصل عدم بازگرداندن مندرج در ماده ۳ کنوانسیون یک خصیصه مطلق دارد، اما ممنوعیت اعاده، که بعدها به موجب قوانین اتحادیه اروپا تدوین شد، مطلق نیست و استثنائاتی برای این ممنوعیت مقرر کرده است.

حمایت تکمیلی مقرر در ممنوعیت اعاده مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رسماً تدوین نشده است و این امر دیگر موضوع قوانین اتحادیه اروپا نیست. اما در دستورالعمل شرایط شماره ۸۳ (2004/83/EC)، که به حمایت تکمیلی تحت عنوان حمایت فرعی پرداخته، رویه قضایی در خصوص حمایت تکمیلی مندرج در ماده ۳ تفسیر شده است. این دستورالعمل معیارهای دارا بودن شرایط برای برخورداری از حمایت فرعی را در ممنوعیت اعاده تعیین کرده است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر تأثیر بسزایی بر سیاست‌ها و قوانین پناهندگی اتحادیه اروپا داشته است. با وجود این، با مقایسه قوانین اتحادیه اروپا و استانداردهای حمایتی برای پناهندگان در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، می‌توان تفاوت‌هایی میان استانداردهای حمایتی قوانین اتحادیه برای پناهندگان با استانداردهای کنوانسیون یافت؛ بدین معنا که از مقایسه تعهدات عدم بازگرداندن مندرج در ماده ۳ کنوانسیون و حمایت فرعی مقرر در دستورالعمل شماره ۹۵ (۲۰۱۱/۹۵/EU) که بر اساس قوانین اتحادیه اروپا تدوین شده است، می‌توان این اختلافات را دریافت. البته شایان ذکر است که دستورالعمل مذکور به عنوان قوانین فراملی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود.

به هر حال باید در نظر داشت که این دو رژیم مستقل از یکدیگرند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نه برای دولت‌های عضو اتحادیه و نه خود اتحادیه الزام‌آور نیست، اما از آنجا که دولت‌های عضو خود این دستورالعمل را تدوین کرده‌اند، پس باید به آن ملزم هم باشند.

در مجموع می‌توان گفت تناقض بین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قوانین اتحادیه اروپا در خصوص اصل عدم بازگرداندن پناهندگان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را با سیستم دوگانه‌ای در خصوص حمایت از پناهندگان مواجه ساخته و همین امر به صدور آرای متفاوت در موضوعات مشابه منجر شده و پیچیدگی‌هایی را در پی داشته است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. زمانی، سیدقاسم و همکاران (۱۳۸۶). *نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر*. چ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ب) مقالات

۲. کیهانلو، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی امکان اعمال اصل ممنوعیت اعاده در مواجهه با حرکات گسترده آوارگان جنگی. *پژوهش‌های حقوقی*، (۴)، ۱۳۳-۱۵۳.

ج) کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی

۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸
۴. پروتکل شماره ۱۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۰
۵. پروتکل شماره ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۰
۶. پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۲۰۱۰
۷. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰
۸. کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان سازمان ملل متحد ۱۹۵۱
۹. معاهده عملکرد اتحادیه اروپا ۱۹۵۷
۱۰. منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا ۲۰۰۰

۲. انگلیسی

A) Books

1. Mole, N., & Meredith, C. (2010). *Asylum and the European Convention on Human Rights*. Council of Europe Publishing, available at: <http://www.refworld.org/pdfid/4ee9b0972.pdf>

B) Articles

2. Chapman, A.R. (1999). A Human Rights Perspective on Intellectual Property, Scientific Progress and Access to the Benefits of Science. *WIPO Publication*, (762)

C) Documents

3. Council of Europe. (1950). Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, as amended by Protocols Nos.11 and 14, supplemented by Protocols 1, 4, 6, 7, 12 and 13, European Treaty Series, No.5
4. European Council. (2004). Directive 2004/83/EC of the Council on Minimum Standards for the Qualification and Status of Third Country Nationals of Stateless Persons as Refugees or as Person Who Otherwise Need International Protection and the Content of the Protection Granted, Official Journal of the European Union. L 304/12
5. European Parliament and European Council. (2011). Directive 2011/95/EU of the European Parliament and of the Council on Standards for the Qualifications of the Third-Country Nationals or Stateless Persons as Beneficiaries of International Protection, for a Uniform Status of Refugees or for Persons Eligible for Subsidiary Protection, and for the Content of the Protection Granted, Official Journal of the European Union, L 337/9
6. European Parliament and European Council. Directive 2013/32/EU of the European Parliament and of the Council of 26 June 2013 on common procedures for granting and withdrawing international protection
7. European Parliament and European Council. Directive 2013/33/EU of the European Parliament and of the Council of 26 June 2013 laying down standards for the reception of applicants for international protection
8. Handbook on European Law Relating to Asylum, Borders and Immigration. (2014) Luxembourg: Publication Office of the European Union
9. United Nation. (1951). Convention relating to the Status of Refugees, United Nations, Treaty Series, Vol. 189

D) Cases

10. Application No.15576/89, (*Varas/Sweden*), ECtHR, 1991.
11. Application No.38821/97, (*Lilia and others/Sweden*), ECtHR, 1999.
12. Application No.37201/06, (*Saadi/Italy*), ECtHR, 2008.
13. Application No.1948/04, (*Salah/Netherlands*), ECtHR, 2007.
14. Application No.14038/88, (*Soering/United Kingdom*), ECtHR, 1989.
15. Application Nos.13163/87, 13164/87, 13165/87, 13447/87 and 13448/87, (*Vilvarajah and others/United Kingdom*), ECtHR, 1991.

E) Internet Resources

16. <https://www.hrw.org/sites/default/files/reports/health0609web.pdf>
17. https://www.aph.gov.au/About_Parliament/Parliamentary_Departments/Parliamentary_Library/pubs/rp/rp0001/01RP05
18. <https://www.refworld.org/cases,ECHR,3ae6b6f3c.html>

F) Thesis

19. Bacaian, L.E. (2011). The Protection of Refugees and Their Right to Seek Asylum in the European Union., Master's thesis in European Studies, European Institute of the University of Geneva, Vol.70-201, available at: <https://www.unige.ch/gsi/files/6614/0351/6348/Bacaian.pdf>
20. Declerck, Eva. (2015), The Non-Refoulement Principle and the Possible Development

- of a Human Right to Asylum for LGTI, (2015), Master's dissertation to qualify as Master of laws, Ghent University, Faculty of Law, available at: https://lib.ugent.be/fulltxt/RUG01/002/213/613/RUG01002213613_2015_0001_AC.pdf
21. Maas, S. (2009). Dual Protection in European Asylum Law: Good or Bad for those Seeking Subsidiary Protection. Thesis L.L.M European Law 2008-2009

